

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه حقوق مدنی ۳

(بخش سوم)

دوره کارشناسی فقه و حقوق

استاد: آیت الله حبیبی تبار

تهیه و تنظیم: عبدالعزیز زکی

پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی

www.feqhvaqaza.com

س: در تعدد اسباب تکلیف چیست؟

ج: در این رابطه چندین نظریه به شرح ذیل مطرح شده است:

نظریه اول: سببی مسؤول خواهد بود که عرف آن را مسؤول بشناسد:

به این معنی که باید ملاحظه شود که عرف از میان این اسباب، کدام یک را سبب اصلی می داند، هر کدام را که سبب اصلی دانست همان سبب، مسؤول است.

مثلا در مثال سنگ و چاه، عرف هرکدام را که سبب اصلی به وجود آمدن حادثه بداند، همان سبب مسؤول خواهد بود.

نظریه دوم: سبب مقدم در تأثیر مسؤول است: (این نظریه در جای مطرح می شود که اسباب در طول هم باشند) یعنی اگر فرض شود که اسباب در طول هم هستند - مثل مثال سنگ و چاه، که اول چاه حفر شده بود بعد سنگ در کنارش قرار داده شده بود - در این فرض، آن سببی که اولاً، در به وجود آمدن این ضرر تأثیر گذاشته باشد مسؤول خواهد بود. مثلاً در مثال سنگ و چاه، ابتدا عابر پایش به سنگ برخورد نموده بعد داخل چاه افتاده است. بنابراین کسی که سنگ را در کنار چاه قرارداده مسؤول خواهد بود زیرا سببی که اولاً در به وجود آمدن این حادثه نقش داشته «همان سنگ» بوده است.

نکته: صاحب شرایع در جای که اسباب در طول هم باشند قائل به تفصیل شده است به این بیان که:

اگر هر دو «ید» مساوی در «عدوان» باشد «سبب مقدم»، مسؤول است مثل اینکه:

فرض کنیم، زمینی متعلق به زید است، کسی بدون اجازه او، در زمینش چاه حفر کرده باشد و فرد دیگری نیز بدون اجازه سنگی را در کنار چاه گذاشته باشد. در این مثال هم حفر کننده چاه و هم سنگ آورنده، یدشان عدوانی می باشند. زیرا هر دو تا بدون اجازه ی زید در زمین او تصرف کرده اند. در فرض فوق که هر دو ید، عدوانی می باشند «سبب مقدم» مسؤول است.

اگر هر دو ید عدوانی نباشند نیز سبب مقدم مسؤول است مثل اینکه:

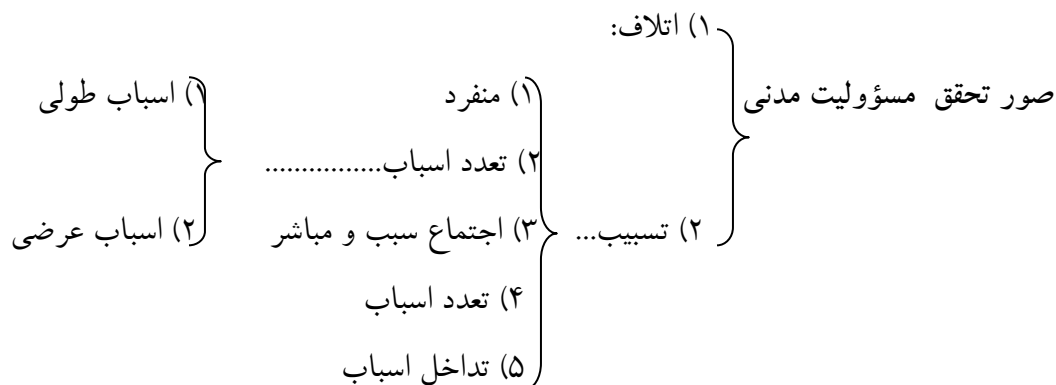
دو برادر زمینی شریکی دارند یکی شان در این زمین چاه حفر کرده و دیگری سنگی را کنار آن گذاشته باشد و عابری هم پایش به سنگ خورده و داخل چاه افتاده باشد. در این فرض که هر دو ید عدوانی نیستند باز هم «سبب مقدم» مسؤول است.

اما اگر فقط یکی از آن دو ید، عدوانی باشد، در این صورت «سبب عدوانی» مسؤول خواهد بود. مثل اینکه:

صاحب زمین، در زمینش چاه حفر کرده، اما فردی بدون اجازه او، سنگی را کنار چاه نهاده، یا بالعکس یعنی کسی بدون اجازه چاه کنده اما صاحب زمین در کنار چاه سنگی نهاده، در این فرض آن «ید عداونی» مسؤول است خواه ید عداونی، «سبب مقدم در تأثیر» باشد و خواه «سبب مقدم در تأثیر» نباشد.

گاهی اسباب متعدد، در عرض هم هستند نه در طول هم:

مثلا دو تا اتومبیل با هم تصادف می کنند و هر دو در به وجود آمدن این حادثه مؤثرند. و هر دو سبب هم، در عرض هستند. در چنین مواردی ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی می گوید: «در مواردی که تعدد اسباب در عرض هم هستند، تساوی مسؤولیت خواهد بود.» یعنی ضرر بر مجموع اسباب تقسیم می شود و هر کدام به طور مساوی مسؤول خواهند بود. یعنی اگر دو سبب است، ضرر بر دو سبب تقسیم می شود. و اگر سه سبب است ضرر بر سه سبب تقسیم می شود و اگر چهار سبب است ضرر بر چهار سبب تقسیم می شود و...



مسؤولیت مدنی گاهی ناشی از اتلاف است.

اتلاف عبارتست از اینکه: کسی مباشرتا مال دیگری را تلف نماید. در این صورتا مسلم است که ضامن است. ماده ۳۲۸ قانون مدنی می گوید: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است.»

انواع تلف:

الف: تلف واقعی: یعنی خارجا و واقعا مال تلف شده باشد. اگر تلف واقعی باشد، چنانچه مال تلف شده مثلی باشد، شخص تلف کننده باید مثل آن را بدهد و اگر مال تلف شده قیمی باشد باید قیمتش را بدهد.

ب: تلف حکمی: تلف حکمی به این معنی است که عین متلوف باقی است یعنی وجود دارد اما مُتْلِف بین مالک و مال مانع ایجاد کرده و سلطنت مالکانه ی مالک را ضعیف نموده است.

مثل اینکه: شخصی سکه‌های شخص دیگری را در دریا می‌اندازد. که این عملکرد سکه‌های او نابود نشده است بلکه واقعا در واقع و خارج، وجود دارد. منتها سلطنت مالکانه‌ی مالک نسبت به سکه برقرار نمی‌باشد. اگر تلف، حکمی باشد، شخص تلف‌کننده باید «بدل حیلوله» را به متضرر بدهد.

س: تفاوت «بدل حیلوله» با تلف واقعی چیست؟

ج: تفاوت این دو در اینست که: در «بدل حیلوله» برای متضرر فقط اباحه تصرف ایجاد می‌شود. اما آنجای که تلف واقعی باشد، و تلف‌کننده مثل یا قیمت مال تلف شده را به متضرر می‌دهد، آن مثل یا قیمت، به ملک متضرر در می‌آید. چون این مثل و یا قیمت، عوض آن مال تلف شده می‌باشد. اما در اتلاف حکمی، که بدل حیلوله به متضرر داده می‌شود، این بدل حیلوله به ملک متضرر در نمی‌آید. بلکه فقط متضرر نسبت به بدل حیلوله اباحه تصرف پیدا می‌کند.

س: چرا بدل حیلوله به ملک متضرر در نمی‌آید؟

ج: زیرا اگر به ملک او در آید موجب جمع عوض و معوض می‌شود. زیرا با تلف حکمی، ملکیت متضرر نسبت به مال تلف شده همچنان باقی است و اگر بنا باشد که او مالک بدل حیلوله نیز بشود موجب اجتماع عوض و معوض می‌گردد. و به همین دلیل است که در تلف حکمی، به مجرد که متضرر بر مال تلف شده سلطه پیدا نماید - یعنی آن سکه‌های داخل دریا را بیرون آورد - سلطه اش نسبت به «بدل حیلوله» ساقط می‌شود.

س: تسبیب چیست؟

ج: تسبیب یعنی کسی مباشرتا مال دیگری را تلف نکرده، بلکه مقدمات آن تلف را آماده کرده است.

مثلا: چاه حفر کند، و دیگری در آن بیفتد، این حفر چاه تسبیب است.

اما اگر شخصی، دست کسی را بگیرد و او را داخل چاه بیندازد، این اتلاف است.

س: تفاوت اتلاف با تسبیب چیست؟

ج: تفاوت این دو عبارتند از:

فرق اول: در اتلاف، تقصیر «شخص تلف‌کننده» شرط ایجاد مسؤولیت نیست. بلکه صرف قصور کافی است. مثلا اگر کسی در حین بازی فوتبال، با شوت نمودن توپ فوتبال شیشه کسی را بشکند، نسبت به شکسته شدن این شیشه مسؤول است. یعنی همینکه این توپ با شوت این بازیکن به شیشه برخورد و شیشه بشکند او ضامن است خواه به قصد شکستن شیشه، شوت کرده باشد یا به قصد شکستن شیشه شوت نکرده باشد بلکه به قصد گل زدن شوت کرده باشد.

یا مثلا: مشتری در حین که ظرف چینی را نگاه می کرد، ظرف چینی از دستش افتاد و شکست، حالا او ضامن است. هرچند که او به قصد خرید ظرف چینی را گرفته بود. نه به قصد شکستن آن. بنابراین در اتلاف، صرف قصور، موجب مسؤولیت مدنی می گردد.

اما در تسبیب، باید سببیت عرفی صدق نکند تا شخص ضامن باشد. یعنی عرف حکم کند که عمل این فرد عامل به وجود آمدن این حادثه است. به گونه ی که اگر سببیت عرفی صدق نکند شخص ضامن نیست. مثلا کسی به قصد شوت، توپ را شوت می کند، اما توپ تغییر مسیر می دهد و می خورد به شیشه و شیشه را می شکند، از قضا، فردی که پشت شیشه باشد و این شیشه به سر او اصابت نماید و او را زخمی کند. حالا از این حیث که شیشه شکسته، اتلاف به حساب می آید. اما از آن حیث که این شیشه ی شکسته به فردی اصابت کرده و او را زخمی کرده، آیا شوت زنده نسبت به آن فرد زخمی نیز ضامن است یا نه؟ باید دید که عرف چه حکم می کند، آیا عرف این عمل را سبب و شوت زنده را مسبب می داند یا خیر؟ اگر عرف، شوت زنده را مسبب و آن عمل را سبب بداند، شوت زنده نسبت به این فرد زخمی نیز ضامن خواهد بود. اما اگر عرف او را مسبب و آن عمل را سبب نداند، شوت زنده نسبت به این فرد زخمی ضامن نخواهد بود.

فرق دوم: اتلاف بدون واسطه و به صورت مستقیم شکل می گیرد. اما در تسبیب مباشرت در اضرار نیست بلکه تمهید مقدمات است. و این آماده کردن مقدمات ممکن است به اضرار بینجامد و ممکن است که به اضرار نینجامد، (مثلا پوست موز را می اندازد و فردی عابر هم پایش را روی آن می گذارد و می لغزد) ممکن است هیچ گاه این آماده کردن مقدمات، منجر به اضرار نشود. (مثلا پوست موز را روی زمین انداخته اما عابر بدون اینکه پایش را روی آن بگذارد از کنارش رد می شود).

انواع سبب:

۱ - گاهی سبب واحد است: اگر سبب واحد باشد، و عرف همه ی مسؤولیت را متوجه همان سبب واحد بداند، در این صورت باید شخص مسبب کل ضرر را به متضرر پرداخت نماید.

۲ - اما گاهی ضار و متضرر مشترک در سببیت هستند: یعنی هم ضرر وارد کننده مسبب است و هم متضرر مسبب است به عبارت دیگر در به وجود آمدن این حادثه هم شخص ضار نقش داشته و هم شخص متضرر. مثلا: ماشینی با عابری تصادف می کند و ۵۰٪ راننده مقصر است ۵۰٪ هم عابر مقصر است.

در این فرض که شخص ضار و متضرر مشترک در سببیت هستند در کشورهای مختلف، نظریات حقوقی مختلف ارائه شده است. مثلا در نظام حقوقی کامن لاو: زیان دیده حق مطالبه ضرر را ندارد. زیرا اگر بعض العله را خود

متضرر فراهم نمی‌کرد، زمینه‌ی بعضی‌العله‌ی سبب هم فراهم نمی‌شد. اما در نظام‌های حقوقی دیگر: باید درجه تقصیر هر یک را سنجید، از جمله در حقوق ایران: باید درجه تقصیر هر یک را سنجید یعنی درصد سببیت سنجیده می‌شود و هر کس به اندازه درجه‌ی سهم خویش پاسخگوست.

۳- گاهی خود متضرر تمام‌العله است: اگر خود متضرر تمام‌العله باشد، چه عرفاً تمام‌العله باشد و چه قانوناً تمام‌العله باشد، در این صورت کسی دیگری مسؤول این حادثه نیست. بلکه تمام مسؤولیت با خود متضرر است. مثل اینکه راننده‌ی با رعایت تمام جوانب رانندگی می‌کند اما کسی به قصد خودکشی خودش را پیش ماشین می‌اندازد. در این مثال راننده مسؤول نیست. یا مثلاً کسی مال خود را تحویل مجنون بدهد و مجنون هم آن را تلف کند در این صورت مجنون مسؤول نیست.

۴- گاهی سبب و مباشر اجتماع می‌کنند: در اجتماع سبب و مباشر، اصل اینست که مباشر مسؤول است مگر اینکه ثابت شود سبب اقوای از مباشر بوده است.

تعدد اسباب:

اگر اسباب متعدد باشند: گفتیم که گاهی اسباب در طول هم هستند که چند نظر مطرح بود که بیان شد. اما اگر اسباب در عرض هم باشند گفتیم که قانون مجازات بنا را بر تساوی مسؤولیت دانسته است.

س: تفاوت تعدد اسباب با تداخل اسباب چیست؟

ج: اولاً: تعدد اسباب در جای مطرح است که اسباب در طول هم باشند.

اما تداخل اسباب در جای مطرح است که اسباب در عرض هم باشند.

ثانیاً: در تعدد اسباب، بعضی از اسباب مسؤولند و بعضی مسؤول نیستند. چنانکه قبلاً بیان شد.

اما در تداخل اسباب همه اسباب مسؤولند. مثلاً پنج نفری که باهم یک نفر را کتک زده اند همه آن پنج نفر مسؤولند.

بحثی که در تداخل اسباب مطرح است اینست که همه اسباب چطور مسؤولند؟

ج: در این رابطه دو نظر مطرح شده است:

نظریه‌ی اول: در تداخل اسباب، اسباب به نحو تضامنی مسؤولند: به این معنی که: متضرر می‌تواند کل ضررش را از هر یک از ضرر زندگان مطالبه نماید. و چنانچه یکی از ضرر زندگان کل ضرر را جبران کرد، او می‌تواند به سایر ضرر زندگان مراجعه نموده و مازاد بر سهم خویش را از سایر ضرر زندگان مطالبه نماید.

نظریه دوم: تقسیم مسؤولیت به نحو اشاعه: یعنی هر سبب نسبت به میزان ضرری که وارد کرده است مسؤول است و لذا شخص مضروب نمی تواند تمام خسارت را از یکی از ضررزنندگان مطالبه نماید. بلکه از هر سبب به میزان ضرری که وارده کرده می تواند مطالبه ضرر نماید.

س: نظر قانون در مورد تداخل اسباب چیست؟

ج: از دیدگاه قانون، اصل عدم تضامن است و لذا اسباب به نحو اشاعه مسؤولند مگر آن دسته از مواردی که با دلیل خارج شده است.

زیرا به دلیل قاعده «وزر» اصل «عدم تضامن» است زیرا طبق این قاعده هر کس مسؤول کارخویش است. لذا اصل بر اشاعه است. اما آنچه که در قانون و در ماده ۱۴ است این ماده ناظره به ماده ۱۲ است و ماده ۱۲ ناظر به روابط کارگر و کارفرماست لذا اصل اینست که در تداخل اسباب، اسباب به نحو اشاعه مسؤول است الا ماخرج بالدلیل. و فقط مورد ماده ۱۴ خارج از این اصل است و در بقیه موارد اصل بر اشاعه است.

طراحی و تنظیم:

مدیریت سایت پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی